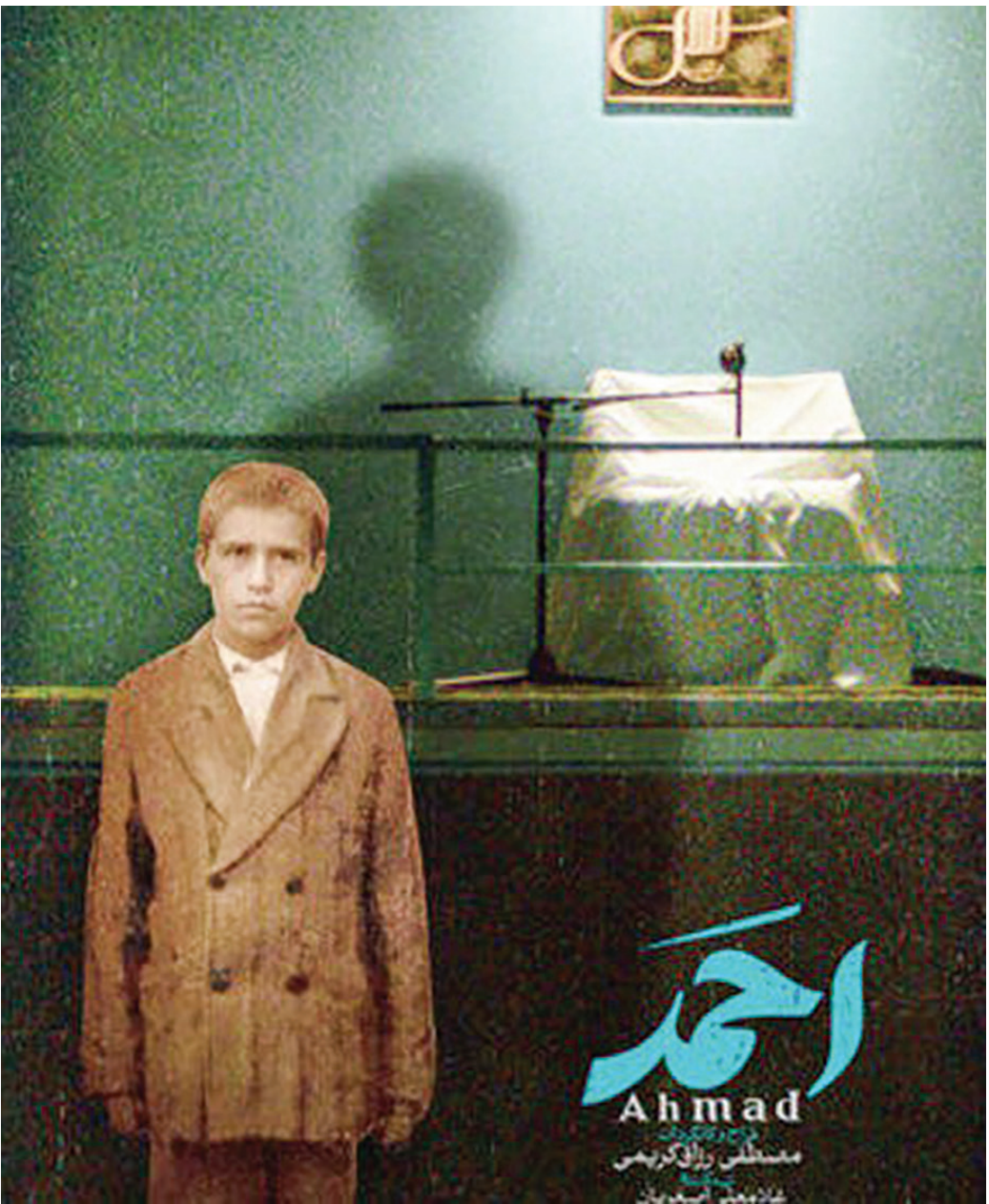


مستند «احمد» بخش های مهمی از گفتمان حاج احمد خمینی را نادیده گرفته است

# احمد منهای حاج احمد



معین احمدیان دبیر گروه فرهنگ

احمد خمینی قطعا به معنای مصطلح و جناحی کلمه اصولگرا نبود؛ نه تندرو نه میانه، نه جدید نه سنتی اما او به معنای مصطلح و جناحی کلمه اصلاح طلب هم نبود. فرزند بنیانگذار انقلاب که خودش هم جزء فعالان صحنه بود و از حضور در جبهه مقاومت لبنان تا همراهی امام در نوفل لوشاتو، نقش پررنگ و البته غیرمتظاهرانه‌ای از خودش بروز داد. مردی است که اندکی پس از پایان دهه آرمانگرایی و در ابتدای دورانی که بعضی‌ها آن را پایان عصر آرمانگرایی می‌دانند، چهره در نقاب خاک کشید. او خالص و غیرجناحی باقی ماند و در افق تاریخ به سرچشمه نور پیوست. مستند احمد اما نه حاصل غرور و خوض در حقیقت این شخصیت، بلکه حاصل همپالگی اعضای بیت مرحوم احمد خمینی با یکی از جناح‌های به‌خصوص سیاسی است. فرزند احمد خمینی که جز انتصاب به بیت امام هیچ شاخصه سیاسی قابل توجهی در شخصیتش ندارد، به عنوان وارث یادگار امام، احمد خمینی دهه ۶۰ و ابتدای ۷۰ را به یک احمد خمینی

اصلاح طلب که به پسند و سلیقه دوستان سیاسی امروزش بخورد تبدیل کرده و مستند احمد نمود اعلی چنین چیزی است. از آخرین مکتوبات مرحوم احمد خمینی چیزهایی در معرض مطالعه عموم قرار دارد که او بر علیه سرمایه داری ایرانی و به طور تلویحی بر علیه دولت هاشمی رفسنجانی نوشته بود اما اگر سیدحسن و باقی اعضای حلقه جماران می‌خواهند از احمد خمینی چیزی یک فعال سیاسی اصلاح طلب یا اصطلاحا اعتدالگرا بسازند، غیر از جعل تاریخ، ناچارند به جنگ با حافظه نه چندان دور جمعی در ملت ایران هم بروند. زاویه‌ای که مرحوم خمینی با دولت سازندگی پیدا کرده بود را هنوز همه از یاد نبرده‌اند؛ هرچند پسرش هم پیاله همان جریان سیاسی شده باشد. برساختن چهره‌ای از احمد خمینی که وقتی هنوز مهران و نفت شهر در اشغال عراق است، به بهانه فتح خرمشهر می‌خواهد که امام جنگ را پایان دهد، حاصل همین تمایلات است. احمدی که با سیاست بازی، خصوصی سازی بی مهار، سرمایه داری رانتی و هزار چیز دیگر مشکل دارد و از ابتدا هم رفرمیست بود نه انقلابی؛ فقط قاتلان به چنین چهره جعلی و متناقض نمایی را از چشم می‌اندازد، نه اینکه باعث شود عموم مخاطبان چنین جعلیاتی را باور کنند.

## «احمد» چگونه ساخته شد؟

سیداحمد خمینی شخصیت جذابی برای مستندسازی است؛ فارغ از اینکه فرزند رهبر یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های تاریخ معاصر است، شخصیت سیاسی دارد که در عین پیچیدگی، رگه‌های جذابی از روایت‌های کمتر شنیده شده را برای مستندساز فراهم می‌کند. این توفیق برای مصطفی رزاق کریمی فراهم شد تا تحت عنوان مستند «احمد» روایتی از زندگی و زمانه سیداحمد خمینی ارائه دهد. این مستند که با سرمایه‌گذاری موسسه «عروج امام» وابسته موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ساخته شده است، یکی از بحث پربانگیزترین آثار هفت‌هفتمین جشنواره سینماحقیقت بود و البته با انتقادات و واکنش‌های زیادی مواجه شد. احمد مستندی نیست که تمام‌قد در اختیار روایت یک پرتوه باشد؛ کارگردان حتی تلاش نکرده از دورنمایی فراتر از آن چیزی که سرمایه‌گذار پروژه خواسته، به سوژه نگاه کند. نتیجه هم این شده که بازخوانی زندگی و زمانه سیداحمد خمینی، به شکلی جانبدارانه در انحصار افرادی است که مورد تایید جمارانی‌هاست، جالب است که فیلمساز حتی در انتخاب

دکور هم بین میهمان‌های محدودش جانبداری خاصی دارد؛ سیدحسن خمینی فرزند یادگار امام در میان انبوه کتاب‌های کتابخانه خود، همچون یک عالم فرهیخته از خاطرات پدر می‌گوید و مابقی مصاحبه‌کننده‌ها در لوکیشن‌هایی متفاوت جلوی دوربین نشسته‌اند. این جانبداری در روایت زندگی کاراکتری سیاسی که همواره تلاش داشته شخصیتی فراجناحی باشد، نه تنها روایت مستند را ناقص می‌کند بلکه کاهش اعتماد و همراهی مخاطب با آن چیزی است که روایت می‌شود. مستند احمد به لحاظ فرمی دویاره است. بخش اول با رجوع به آلبوم خانوادگی فرزند امام، از کودکی، نوجوانی و جوانی سیداحمد خمینی می‌گوید و بعد از گذشت یک سوم از مستند، وارد بخش دومی می‌شود که قرار است حرف‌های اصلی این مستند پرتوه باشد. مقطعی که زندگی سیاسی سیداحمد خمینی بعد از فوت سیدمصطفی خمینی، وارد دوره جدیدی می‌شود و این دوره از زندگی سیداحمد مصادف می‌شود با وقایع انقلاب ۱۳۵۷ و در پی آن سفر امام خمینی به نوفل لوشاتو. از اینجا به بعد، مخاطب در معرض این سوال

قرار می‌گیرد که نسبت سیداحمد خمینی با هرکدام از وقایع پیش روی انقلاب چیست و پاسخ سوالات هم از زبان همان مصاحبه‌شونده‌های محدود داده می‌شود. از جمله ایرادهای مستند این است که دال مرکزی و واحدی برای طراحی کاراکتر سیداحمد خمینی ندارد و نمی‌تواند وقایع مختلف تاریخی را در نسبت با این شخصیت سیاسی تعریف کند، برای همین است که مستندساز مجبور می‌شود در پرداخت مقطع مهم و جنجالی تاریخ انقلاب، به سرعت و خیلی سرسری برخورد کند و برای اینکه گرفتار پیچیدگی در روایت نشود، سرعاً روایت‌های متنوع از افراد مختلف نمی‌رود. برای همین است که به سرعت از مقاطع تاریخی که سیداحمد در آن حضور داشته، عبور می‌کند و تحلیل‌ها هم در سطح باقی می‌ماند. یکی از مقاطع تاریخی و جنجالی دهه ۶۰ که اتفاقا با شبهات زیادی در مورد نقش و اثرگذاری سیداحمد همراه است، موضوع اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ است. پرش در روایت این مقطع تاریخی کاملاً مشهود

است و نمی‌تواند پاسخ دقیقی به شبهات این دوره بدهد. هرچه مستند پیش می‌رود، مخاطب متوجه این خواهد شد که قرار نیست اینجا و در این مستند به ابهاماتش پاسخ بدهند. رفت و برگشت‌های فیلمساز بین زندگی سیاسی و شخصی سیداحمد هم نمی‌تواند، به واقعی شدن این پرتوه کمک کند. این مستند پرتوه، در انحصار روایت‌های تک بعدی است و همین باعث شده که راه برای کشف یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فراجناحی دهه ۶۰ بسته شود. اتفاقاً مستند به دلیل غلبه این جنس پرداخت و نگاه یک طرفه از دو ناحیه ضربه می‌خورد. یکی اینکه دچار تعارضاتی آشکار با واقعیت‌های تاریخی می‌شود و نمی‌تواند پاسخگوی سولاتی شود که خودش طرح می‌کند و از جانب دیگر اینکه، تناقضات آشکاری با مرام و شخصیت سیاسی حاج احمد خمینی دارد. در ادامه به صورت موردی دو فراز مهم مستند را بررسی کردیم که نمونه‌هایی از همین دو جنس و تعارض است که مستند احمد از این دست موارد کم ندارد.

## عارف عزلت‌نشین یا مرد سیاسی عدالت‌خواه

جایی از مستند و از زبان سیدحسین فرزند سیدمصطفی خمینی، گفته می‌شود از سال ۱۳۵۶ به بعد هیچ اتفاقی از وقایع انقلاب نیست که مرحوم سیداحمد در آن موثر نباشد. با نگاهی به نقش مهمی که سیداحمد بعد از فوت سیدمصطفی خمینی در همراهی و مشاورت امام خمینی داشت، این نظر سیدحسین بی‌راه نیست و نمی‌توان نقش سیداحمد را در نسبت با وقایع متعدد انقلاب اسلامی نادیده گرفت. با این حال مستند احمد نتوانسته با رجوع به مقاطع مختلف، این نقش سیداحمد را به درستی تصویر کند. به نظر می‌رسد سازندگان پروژه احمد یا اصلا از ابتدا قصدی نداشته‌اند تصویری نزدیک به مرحوم سیداحمد نشان دهند یا در خوشبینانه‌ترین حالت نتوانسته‌اند تمام وجوه سیاسی و تاریخی این شخصیت مهم انقلاب را نشان دهند. مستندساز نتوانسته یک کاراکتر واحد و منسجم از سیداحمد خمینی ارائه دهد و روایت‌ها هم بین دو سیداحمد سرگردان است. سیداحمدی که واجد نگاه و نظر سیاسی است و نسبت به اتفاقات مهم فعلیت دارد و سیداحمدی که در برخورد با وقایع و شخصیت‌های سیاسی منفعلانه برخورد می‌کند، تاحدی که در بخش پایانی مستند، سیداحمد سال‌های بعد از فوت امام خمینی (ره)، روحانی عزلت‌نشین است که برای رهایی از اذیت‌های سیاسی به نیاباتی خشک و بی‌آب و علف می‌رود تا ۲۲ روز چله‌نشین می‌کند. مستند درخسوخ کوش‌های سیاسی که فرزند امام در مواجهه با دولت سازندگی داشته، سکوت کرده و کمترین تمایلی هم برای ابراز نظرات سیداحمد آن سال‌ها ندارد. این درحالی است که یادگار امام در اواخر عمر به فضای سیاسی دولت سازندگی انتقاد داشت و عمده انتقادهايش هم متوجه دو مساله است. نخست شکایت از عدم تحمل انتقاد توسط مسئولان کشور و دوم گلابه از وضع محرومان و مستضعفان و بازگشت سرمایه داران ضد انقلاب. جالب اینکه این بخش از نظرات سیداحمد بیشتر در کتابی تحت عنوان «دیدگاه‌ها» توسط موسسه سرمایه‌گذار مستند احمد، یعنی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) منتشر شده و به نظر می‌رسد که حامدانه این نظرات در مستند نادیده گرفته شده است. سیداحمد خمینی در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۷۰ با همان جنس نگاه عدالت‌خواهانه خود نسبت به انحرافی که در مسیر انقلاب در حال شکل‌گیری است هشدار می‌دهد و گفته است: «ما هرگز اجازه نمی‌دهیم سرمایه‌داران زالوصفت که به خون حزب‌الله عزیز و محرومان و پاره‌هنگان تشنه‌اند با در اختیار گرفتن مقدرات اقتصادی در بدنه این نظام مقدس و الهی نفوذ کنند. امروز اردوگاه استکبار برای انحراف انقلاب اسلامی تلاش مضاعفی به کار گرفته است، همه باید هوشیار باشیم و بدانیم که اقتصاد از سیاست و فرهنگ جدایی‌ناپذیر است.»

سیداحمد خمینی در سخنرانی دیگری در ۲۳ آبان ماه همان سال به عدم امکان انتقاد سالم مردم از مسئولان هم گلابه کرده و گفته است: «باید توجه داشت که طرح آزادانه دیدگاه‌ها و آرای مختلف برای حفظ و بقای اصول اساسی ارکان نظام و انقلاب ضروری است. یک روحانی چه امام‌جمعه چه پیش‌نماز چه منبری چه مرجع و چه شخصیت حکومتی باید دانما به افراد نزدیک این مساله را گوش‌نزد کند که آزادی لازمه دین است و این‌گونه گمان نکنند که فلاشی شخصیت بزرگی است و هیچ‌کس نباید بگوید بالای چشم او ابروست!» انتقاد سیداحمد به لجام گسیختگی اقتصادی به بهانه اقتصاد غیردولتی تا روزها و ماه‌های آخر عمر او ادامه داشت. او در ۳ مهرماه ۱۳۷۳ گفته است: «متأسفانه امروز هم خون مستضعفان را سرمایه‌داران بزرگ و کوچک می‌کنند. بعضی خیال می‌کنند به بخش خصوصی بهادادن به معنای آزادی عمل سرمایه‌داران به شکلی است که هر اندازه خواستند خون مظلومان را در شیشه بکنند. این گونه نمی‌شود. امام را حل از اول گفته‌اند که روحانیت به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است، زیرا آنها نمی‌گذارند مردم مستضعف زندگی عادی و سالمی داشته باشند. مشکل ما تنها این نیست که دولت‌های غریبی با ما مخالف هستند، اگر ما با سرمایه‌داران بزرگ به‌طور سنجیده‌ای برخورد می‌کردیم آنها نمی‌توانستند در برابر دولت و ملت یک مساله‌ای را ایجاد کنند. از موقعی که سرمایه‌داران تحت لوای بخش خصوصی به تخریب اقتصادی مشغول هستند، هر روز سنگی در مقابل توان اقتصادی مردم مظلوم و مستضعف انداخته و هر روز سیاست‌های اقتصادی دولت به بازی گرفته می‌شود. هرگاه سرنخ این تخریب‌ها دنبال شد، چند نفر سرمایه‌دار بزرگ را در پشت صحنه می‌بینیم. اگر ما با سرمایه‌داران همانند منافقین برخورد می‌کردیم اوضاع کشور به این صورت در نمی‌آمد. یک عده سرمایه‌دار زالوصفت به این بهانه که اقتصاد دولتی مضر است، به حال خود رها شده و به جان این ملت افتاده‌اند. کسی منکر این نیست که اقتصاد دولتی مضراتی دارد اما به این بهانه نباید لجام‌گسیختگی بر اقتصاد حاکم شود.» مستند احمد می‌توانست با نشان دادن تصویر کامل‌تری از سیداحمد بعد از فوت امام (ره)، به دیدگاه‌ها و نظرات اصیل این شخصیت سیاسی نزدیک شود و پاسخی باشد به کسانی که سیداحمد را در قامت شخصیتی المصاق شده به کاراکتر سیاسی امام خمینی (ره) تعریف می‌کردند. اما به نظر می‌رسد ما حاصل کار، مستندی است که حواش به ساکنان محله جماران بوده و بیش از اینکه پرتوه یک شخصیت مهم و تاریخ انقلاب را نشان دهد، به درد تکمیل آلبوم خانوادگی سیدحسن خمینی می‌خورد.



## حاج احمد مخالف جنگ بعد از فتح خرمشهر؟

یکی از بخش‌های مهم مستند، اشاره‌اش به روایتی جنجالی از نظر امام در مورد ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر است. این مساله در سال‌های اخیر بارها از جانب افراد مختلفی مطرح شده است و محل تشکیک بسیاری قرار گرفته است. در این بخش از مستند سیدحسن خمینی به نامه‌ای مهم از جانب سیداحمد به مسئولان اشاره می‌کند و تأکید دارد: «برخلاف چیزهایی که گفته می‌شود، مرحوم ابوی طرفدار ادامه جنگ نبودند. ایشان نامه مفصلی به امام دارند و استدلال می‌کنند جنگ باید پس از فتح خرمشهر تمام می‌شد. البته در این نامه هم آمده است که چه کسانی مخالف پایان جنگ بودند و نام می‌برد و تقریباً تمام سردمداران سیاسی نظامی کشور جزء موافقان ادامه جنگ هستند.» البته سیدحسن تأکید می‌کند که این نامه جزء اسنادی است که هنوز منتشر نشده. بلافاصله بعد از این بخش از صحبت‌های سیدحسن، صدای راوی که نماینده نظرات مرحوم سیداحمد است، این‌گونه روایت می‌کند: «امام هم معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود و می‌گفتند بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که دارد ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر تمام شدنی نخواهد بود و الاً هم که قضیه فتح خرمشهر پیش‌آمده بهترین زمان برای پایان دادن به جنگ است. با این حال از آنجا که به نظر مسئولان کشور اهمیت می‌دادند و بنا داشتند با شور و مشورت و توجه به دیدگاه آنها تصمیم نهایی را در این مورد بگیرند، رای کسانی که مخالف خاتمه دادن به جنگ بودند را پذیرفتند.»

دهه ۶۰ خیلی سرسری از کنارش عبور می‌کند. ضمن این سوال پیش می‌آید که اگر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و سیدحسن خمینی، در انتشار این نامه معذوریت دارند پس چرا در این مستند از حقوای نامه استفاده کردند و سوال مهم‌تر اینکه چرا مستندساز استدلال‌های سیداحمد درخصوص پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر را در مستند نیاورده است. در تمام این سال‌ها دلایل موافقان ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر به تأکید بر شرایط آن روزهای جنگ، تبیین شده است، از جمله اینکه بعد از فتح خرمشهر، همچنان مرزهای ایران تا مین نداشت و نقاطی در شلمچه، طلائیه، فکه و قصرشیرین در اشغال عراق بودند و شهرهای سومار، نفت شهر و مهران عملاً در اشغال دشمن بودند و امکان آزادسازی این نقاط از راه مذکور، غیرمعمول به نظر می‌رسید و راهی جز ادامه جنگ وجود نداشت یا اینکه شهرهای آزاد شده همچون خرمشهر، به علت حضور دشمن در شلمچه، همچنان مورد تهدید بود. ضمن اینکه در آن زمان طرحی که متضمن صلح واقعی باشد و شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت را شامل شود و تضمین برای عدم تعرض مجدد داشته باشد، وجود نداشت و پیشنهادهای ارائه شده، تنها در حد آتش بس و مذاکره طرفین بود. این موارد تنها بخشی از دلایل موافقان ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر است، اما از جمله ابهامات مستند احمد این است که سیداحمد و شخص امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا، چگونه و مبتنی بر کدام استدلال مخالف ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر بودند.